

The Story of a Family Injured by Chemical Warfare Agents - The Shafe'i Family

ماجرای یک خانواده قربانی جنگ افزارهای شیمیایی: خانواده شافعی



فریده، شهلا و شبیم در بیمارستان - ۱۳۶۶



فرخنده، شهلا و فریده ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)
باعکس یک کودک مصدوم

بعد از ظهر روز یکشنبه ۸ تیر ماه ۱۳۶۶ (۲۸ ژوئن ۱۹۸۷)، خواهران شافعی، فرخنده و فریده، در منزل فرخنده در حال نوشیدن چای بودند که بمب حاوی خردل گوگردی روی خانه روبرویشان فرود آمد. هیچ کس نمی دانست آن بمب چه بود، بنابراین، مثل بسیاری دیگر از مردم سردشت آنها هم در زیر زمین پناه گرفتند، غافل از اینکه این کار باعث شد بیشتر در معرض گاز سمی قرار بگیرند زیرا خردل از هوا سنگین تر است. هر دو زن، تمام فرزندانشان، جعفر (همسر فرخنده) و ۲۷ عضو خانواده جعفر مصدوم شدند.

از چهار فرزند این دو خواهر، سه تا زنده ماندند؛ دختران فریده: شبیم و شهلا و پسر فرخنده: رامیار. دختر کوچک فریده، ناهید ۱۸ ماهه چند روز بعد در بیمارستان کودکان امام خمینی تهران در گذشت. فریده و دخترانش، شبیم که در زمان حمله هنوز ۶ سال نداشت و شهلا سه سال و نیمه برای معالجه به اسپانیا فرستاده شدند. کودک دیگر، رامیار، پسر ۲۲ ماهه، در بیمارستان کودکان درمان شد در حالی که والدین او در دو بیمارستان مختلف در نقاط دیگر شهر تحت درمان بودند.

فرخنده و همسرش جعفر، از شهر جنگزده خود سردشت به شهر کالگری، ایالت آلبرتای کانادا مهاجرت کردند. در آنجا فرخنده به عنوان کارشناس شیمی در مؤسسه تکنولوژی آلبرتای جنوبی مشغول به کار شد. همسر او جعفر و پسرشان رامیار هم در کالگری کار می کنند. هر سه آنها به خاطر عوارض مربوط به جنگ، دائماً به مراقبت های پزشکی نیازمندند.

فریده، خواهر بزرگتر، یک معلم مدرسه بازنشسته است که اکنون در ارومیه، شمال غربی ایران زندگی می کند. بزرگترین فرزند او شبیم اکنون ازدواج کرده و دو فرزند کوچک دارد. دختر دوم او شهلا دبیرستانی است. در مرداد ۱۳۸۵، فریده و شهلا به عنوان بخشی از هیأت ایرانی از هیروشیما دیدن کردند تا سالگرد قربانیان بمباران اتمی را گرامی بدارند.

خواهران شافعی و فرزندان بازمانده آنها همه از اثرات حمله شیمیایی روی سلامت خود و بیماری های مزمن ناتوان کننده به علت مواجهه با گاز خردل رنج می برند. معمول ترین این مشکلات برونشیت و آسفتگی های عصبی دراز مدت است نظیر اختلالات استرس پس از سانحه (PTSD). علاوه بر این، فرخنده به خاطر ابتلا به تنگی (stenosis) راه های تنفسی برای باز نگه داشتن تراشه، یا نای خود به جراحی های لیزری ادواری احتیاج دارد. شهلا نیز از آثار زخم های بزرگ روی بدنش رنج می برد.